

من همین دستگاه تمام خانواده کندی را تقریباً از بین برد. هرکسی هم به نحوی از انحاء از این جریانات مطلع بوده، سر به نیست شده است. تقریباً سی نفر!<sup>۱</sup>

صحبت که به این جا رسید، من برای سپهبد نصیری رئیس سازمان امنیت که عامل مهمی در کشته شدن بختیار بود، استدعای درجه کردم. شاهنشاه خندیدند و فرمودند: [بابت] کودتای پارسال ما که در عراق شکست خورد، من باید نصیری را اعدام کرده باشم! عرض کردم: خیانتی که نکرد، نقشه اش بر اثر بی تجربگی عواملش مواجه با شکست شد. هر دولت مقتدری این جور شکست‌ها می خورد، همین الان صحبت از حمله به خلیج خوک‌ها در کوبا بود که شکست خورد. فرمودند: درست می گویی، به هر حال در موقع مناسب خاطر من بینداز که اقدام کنم. من نفهمیدم موقع مناسب چه وقت است، ولی عرض کردم: چشم! بعد شاهنشاه فرمودند: اگر اشتباه نکنم آن وقت هم انگلیس‌ها ما را لو دادند. چون با این بعضی‌ها به احتمال نزدیک به یقین بی رابطه نیستند و از آنها استفاده می کنند.

بعد از ظهر در منزل کار کردم. بعد از ظهر سفیر آمریکا را خواسته بودم که او امر شاهنشاه را ابلاغ کنم. در مورد لایحه اعتبار خرید اسلحه که در سنای آمریکا دهن شده و در عوض می خواهیم از [بانک صادرات و واردات] کمک بگیریم و این که کمک [این بانک] - سیصد میلیون دلار - در سه سال برای ما کافی نیست و این که بر فرض از [بانک صادرات و واردات] کمک بگیریم، آن وقت تکلیف سایر مخارج نظامی، مثل مخارج میسیون نظامی آمریکا در ایران - در حدود ده میلیون دلار - و بعضی تعمیرات نظامی و پروژه رادار [پیس رویی] Peace Ruby و غیره چه خواهد شد. یک ساعت و نیم حرف زدیم. سفیر جواب داد که متأسفانه بیش از سیصد میلیون دلار حالا امیدی ندارد و مخارج دیگر نظامی حالا پا در هواست، حتی مخارج تربیت خلبانان [ایرانی] در آمریکا. به سفیر گفتم: عراق حدود ۲۹۰-۲۳۰ هواپیمای حاضر به جنگ دارد و خلبانان آن هم در شوروی تربیت

۱- درباره نظر شاه نسبت به آمریکا و انگلستان، نگاه کنید به جلد یکم یادداشتهای علم، فصل دوم مقدماتی، «سال‌های واپسین شاهنشاهی»، سیاست خارجی.